

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پروفسور مایکل چوسدوفسکی
برگردان از: ندارضائی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۰ می ۲۰۱۹



پروفسور مایکل چوسدوفسکی

بیست سال پیش: جنگ ناتو علیه یوگسلاوی: جنایتکار جنگی کیست؟

۱



مقدمه

بیست سال پیش در ساعات اولیه ۲۴ مارچ ۱۹۹۹ ناتو بمباران جمهوری فدرال یوگسلاوی را آغاز کرد. این عملیات به قول نبوسا مالیچ سرد، بی روح و کاملاً توصیفی نامگذاری شد: عملیات «نیروهای ائتلاف»

این مقاله برای اولین بار در اوایل ماه می ۱۹۹۹ در اوج بمباران یوگسلاوی نوشته شده است. علل و عواقب این جنگ، سالها دست آویز کمپین گسترده گمراه سازی رسانه نی قرار گرفته است که در پی استتار جنایات جنگی ناتو و ایالات متحده بود. لازم به ذکر است که بخش بزرگی از «چپ پروگرسو» در اروپای غربی و امریکای شمالی نیز بخشی از این کارزار گمراه سازی بودند که مداخله نظامی ناتو را عملیاتی بشردوستانه برای حفاظت از حقوق قومی البانیایی تبارهای کوزوو جا زدند. این مداخله نقض آشکار قوانین بین الملل بود. رئیس جمهور میلوشویچ در مذاکرات رامبوئی با استقرار نیروهای ناتو در یوگسلاوی مخالفت کرد.



اسلوبودان میلوشویچ

شیطان انگاری از اسلوبودان میلوشویچ از سوی به اصطلاح «پروگرسوها» برای حمایت از مشروعیت بمباران ناتو سالهاست در جریان است و این مسأله همچنین به «دادگاه جنایات جنگی» که در اختیار کسانی است که خود مرتکب جنایات گسترده جنگی تحت نام عدالت اجتماعی شده اند، مشروعیت بخشیده است. تز جنگ عادلانه نیز مورد حمایت تنی چند از روشنفکران برجسته قرار گرفت که جنگ کوزوو را «جنگی عادلانه» می دانستند.

در مقابل ارتش آزادیبخش کوزوو (KLA) را گروه هائی از «چپ گرایان» به عنوان یک جنبش آزادیبخش اصیل که ریشه در مارکسیسم دارد مورد حمایت قرار دادند.

KLA که هاشم تاجی رهبر آن اکنون رئیس جمهور کوزوو است در واقع رهبر یک دسته شبه نظامی بود که سازمان های اطلاعاتی غربی از آن پشتیبانی می کردند و تحت حمایت مالی و آموزشی ایالات متحده و ناتو قرار داشت. KLA به ارتکاب جنایات سازمان متهم بود و با القاعده نیز که تحت حمایت اطلاعاتی امریکا قرار داشت، در ارتباط بود.

شایان ذکر است که همان «چپگرایانی» که در سال ۱۹۹۹ از ارتش آزادی بخش کوزوو حمایت کردند، اکنون از «انقلابیون» سوریه (وابسته به القاعده و تحت حمایت ایالات متحده و ناتو) حمایت می کنند.

مایکل چوسدوسکی، مارچ ۲۰۰۶، به روز رسانی مارچ ۲۰۱۹

جنگ هسته‌ئی با شدت کم

اکنون که حمله هوائی ناتو به ماه سوم خود وارد می شود، از مرحله جدیدی از جنگ رونمایی شده است. بمباران های بشردوستانه ناتو بر تلفات غیرنظامی و رنج انسان ها افزوده است. سی درصد از کسانی که در این بمباران ها کشته شده اند، کودکان هستند. ۱ علاوه بر استفاده از بمب های خوشه‌ئی، ائتلاف در حال انجام «جنگ هسته‌ئی با شدت کم» با استفاده از خمپاره های رادیواکتیو سمی و راکت های حاوی اورانیوم ضعیف شده است. مستندات زیادی نشان می دهد تشعشعات رادیو اکتیو سرطان را هستند و به طور بالقوه می تواند میلیون ها تن از نسل های آینده را تحت تأثیر قرار دهد. براساس گزارشی علمی که اخیراً منتشر شده است «اولین نشانه های تشعشعات در کودکان تبخال دهان و خارش پوستی در پشت و مچ پاست که در یوگسلاوی از زمان آغاز بمباران ها دیده شده است.» ۲

علاوه بر تشعشعات رادیواکتیو که محیط زیست و زنجیره غذایی را آلوده کرده است، نیروهای ائتلاف بزرگترین کارخانه کیمیائی و داروئی یوگسلاوی را بمباران کرده است. بمباران گالینیکا، بزرگترین کارخانه تولید دارو در یوگسلاوی، باعث آزاد شدن گازهای خطرناک و بسیار سمی شده است. هنگامی که نیروهای ناتو در اواسط اپریل مجتمع پتروشیمی پانکو را بمباران کردند، «آتش سوزی به وقوع پیوست و مقادیر زیادی از کلر، اتیلن دی کلراید و وینیل کلراید آتش گرفت. کارگران در پانکو، از ترس حملات بعدی که به انفجارهای بیشتری منجر شود مقادیر زیادی اتیلن دی کلراید که ماده ای سرطان زاست را به دانوب ریختند.» ۳



هاشم تاجی رهبر شبه نظامیان فاشیست کوزوو ترکیبی از مافیا، فاشیسم و مزدوری ناتو

ناتو پیش به سوی «نجات البانیایی تبارها»

البانی تبارها از حملات هوائی ناتو جان سالم به در نبرده اند. گفته می شود که کشتار البانی تبارهای کوزوو در اجرای «عملیات بشردوستانه به نمایندگی البانیایی تبارها» اجتناب ناپذیر است. علاوه بر پیامدهای درگیری های

زمینی بین KLA و ارتش یوگسلاوی، بمباران و تشعشعات رادیواکتیو در کوزوو ویرانگرتر از بقیه یوگسلاوی بوده است.

شواهد زیادی تأیید می کند که به رغم پوشش مأموریت بشردوستانه، حملات هوایی وحشیانه ناتو به شهرها و روستاهای کوزوو، موج پناهجویان را به دنبال خواهد داشت. کسانی که از خانه های خود به اردوگاه های پناهندگان در مقدونیه و البانی گریخته اند، جایی برای بازگشت ندارند، کل کشور ویران شده است، صنایع غیرنظامی و زیربنای عمومی شهری منهدم شده است. پل ها، نیروگاه ها، مدارس و بیمارستان ها به عنوان «اهداف نظامی مشروع» توسط مرکز عملیات هوایی ترکیبی ناتو (CAOC) در ویچنرای ایتالیا انتخاب شده و با دقت پیش از آن که خلبان حمله خود را آغاز کند تأیید شده است.»

«رفت و آمدهای دیپلماتیک» هنوز هم در جریان است، ائتلاف درصدد است اقتصاد یوگسلاوی (از جمله کوزوو) را تا جای ممکن فلج کند قبل از ورود میانجی های «اقدام صلح» G8، که آن ها را قادر به ارسال به نیروهای زمینی کند. «فرماندهان نیروهای ائتلاف به طور پیوسته لیست اهداف اقتصادی خود را گسترش داده اند ... تأثیرات حملات هوایی ناتو به طور فزاینده ای مردم را از کار بی کار کرده است ... کمبود آب را در بلغراد، نوی ساد و دیگر شهرهای صربستان به دنبال داشته است. ... تعطیلی کسب و کارها، محدودیت کار بیمارستان ها و قطع آب از جمله پیامدهای این بمباران هاست» ۴ حدود ۱۱۵ کلینیک درمانی آسیب دیده اند و چند مرکز آن کاملاً تخریب شده است. بیماران بیمارستان - از جمله کودکان و افراد مسن - در اثر کمبود آب و قطع برق در حال مرگ هستند ... ۵

جنرال وسلی کلارک، فرمانده عالی ناتو در اروپا، در اواخر ماه می تأیید کرد که «حملات هوایی ناتو هنوز به اوج خود نرسیده است و ائتلاف باید خود را برای تلفات غیرنظامی بیشتر آماده کند.» ۶ جنرال کلارک همچنین تصریح کرد که «او می خواهد تعداد حملات هوایی در کوزوو را افزایش دهد و طیف اهداف را نیز گسترش دهد.» ۷ همچنان که که بمباران ها به ماه سوم خود وارد می شوند، تغییرات قابل ملاحظه ای در «لفاظی ناتو» به وجود آمده است. ائتلاف به شدت گستاخ شده است، مقامات ناتو دیگر از تلفات غیرنظامیان متأسف نیستند و ادعا می کنند که این حرف ها تنها به «به ماشین تبلیغاتی میلو شویچ کمک می کند.»

گسترش تعارضات و رای بالکان

منافع ستراتیژیک گسترده و انگیزه های اقتصادی جنگ در هیاهوی تصاویر و تجزیه و تحلیل رسانه ای گم شده است. نوشته های سین جروازی فقید در سال ۱۹۹۵ یک جنگ قریب الوقوع را پیش بینی می کند. به گفته جروازی، اهداف ستراتیژیک واشنگتن فراتر از بالکان است و خواهان «برقراری یک رژیم با شمایل غربی در یوگسلاوی و کوچک کردن آن، و کاستن قدرت و نفوذ صربستان به حداقل است...» ۸ در این زمینه، استقرار نیروی امریکا در جنوب اروپا و مدیترانه نیز قدمی برای گسترش منطقه نفوذ ژئوپلیتیک واشنگتن از بحیره بالکان تا منطقه بحیره خزر، آسیای مرکزی و غرب آسیا است. در این رابطه، دخالت نظامی ناتو در یوگسلاوی (نقض قوانین بین المللی) نیز عواقب خطرناکی را به دنبال دارد. به مداخلات نظامی آینده «مشروعیت» می بخشد تا برای تحقق اهداف ستراتیژیک خود، اقتصادهای ملی را بی ثبات کند و بر اختلافات منطقه ای از طریق تأمین مالی مخفیانه شورش های مسلحانه دامن زند ... به عبارت دیگر،

درگیری یوگسلاوی شرايطی را ايجاد می کند که زمینه مشروعیت بخشی به مداخلات آینده ائتلاف در «امور داخلی کشور های مستقل را فراهم می کند.»

تنها مشخصه تحکیم منافع ستراتیژیک امریکا در اروپای شرقی، بالکان (و فراتر از آن) گسترش ناتو (با ورود هنگری، پولند و جمهوری چک به عنوان اعضای ناتو) نیست، کمتر از دو هفته قبل از آغاز بمباران ها جنگ در یوگسلاوی با انشاقی خطرناک در صف بندی های ژئوپلیتیک در کشورهای مشترک المنافع همراه شد. در اواخر ماه اپریل، گرجستان، اوکراین، ازبکستان، آذربایجان و مولداوی توافقنامه ای با واشنگتن امضاء کردند و GUUAM را شکل دادند، ائتلافی منطقه ای که به لحاظ ستراتیژیک در محدوده ثروت نفت و گاز خزر قرار دارد «با پیشنهاد صادرات سوخت به غرب از راه احداث خط لوله از طریق مولداوی و اوکراین»^۹ این تقسیم ژئوپلیتیک با بحران یوگسلاوی ارتباطی مستقیم دارد. منطقه در حال حاضر بی ثبات است و تعارضات ناسیونالیستی و جنبش های جدائی طلب از جمله مختصات آن است.

اعضای این بلوک سیاسی نوپا طرفدار ناتو نه تنها به طور تاکتیکی از بمباران یوگسلاوی حمایت کرده اند، بلکه با «همکاری نظامی سطح پائین» با ناتو نیز موافقت کرده اند، در حالی که ناتو اصرار دارد که «این گروه یک اتحاد نظامی علیه کشور ثالث، روسیه، نیست.»^{۱۰}

شکل گیری GUUAM بر اساس منافع نفتی غرب، نه تنها می خواهد روسیه را از ذخایر نفت و گاز در منطقه خزر دور کند، همچنین مسکو را نیز از نظر سیاسی نیز منزوی می کند و در نتیجه صف بندی بالقوه جنگ سرد را دامن می زند.

جنگ کنترل سلاح های هسته ای را متوقف کرده است

جنگ در یوگسلاوی به شکلی فزاینده مانع از اجرای برنامه های کنترل سلاح های هسته ای شده است که منجر به لغو برنامه مبادله آن شده است «که در پایان سال ۲۰۰۰، مقامات ایالات متحده و روسیه را در تماس مداوم برای جلوگیری از هر گونه مشکل در سیستم های کامپیوتری در پایان قرن قرار داده بود.»^{۱۱} علاوه بر این، ارتش روسیه نیز نگرانی خود را ابراز کرده است: «بمباران یوگسلاوی در آینده نزدیک ممکن است فقط یک مانور برای حملات مشابه به روسیه باشد.»^{۱۲}

به گفته دکتر مری وین اشفورد، رئیس مشترک جایزه صلح نوبل برای پیشگیری از جنگ هسته ای (IPPNW) تأثیر بمباران های ناتو در یوگسلاوی «در مورد سیاست های توسعه تسلیحات هسته ای بسیار جدی است ... روس ها احساس می کنند غرب به آن ها خیانت کرده است ... زیرا ناتو این اقدام را خارج از قطعنامه ملل متحد انجام داد.»^{۱۳}

الکساندر آربتوف معاون کمیته دفاع دوما، جنگ یوگسلاوی را به عنوان «بدترین، حادثه ترین و خطرناک ترین نقطه از زمان بحران امریکا و شوروی در برلین و همینطور بحران راکتی کوبا» توصیف می کند.^{۱۴} START II مرده است، همکاری با ناتو متوقف شده است، همکاری در دفاع راکتی از دستور کار خارج شده است. تمایل مسکو برای همکاری در زمینه مسائل مربوط به عدم گسترش سلاح های هسته ای همیشه کم است. علاوه بر این، احساسات ضد امریکائی در روسیه واقعی، عمیق و گسترده تر از همیشه است و شعار «امروز صربستان، فردا روسیه» عمیقاً در ذهن روس ها ریشه می دواند. ۱۵ مری وین اشفورد همچنین هشدار می دهد در حالی که روسیه در حال حاضر به سمت اتحاد با اروپا حرکت می کند؛ آن ها [روس ها] اکنون:

«... تهدید اصلی خود را از جانب غرب دریافت می کنند. مقامات امور خارجه روسیه (کنترول و خلع سلاح) به ما گفتند که روسیه هیچ گزینه ای ندارد مگر تکیه بر سلاح های هسته ای برای دفاع، زیرا نیروهای متعارف آن ناکافی هستند ... حتی اگر بمباران ها همین امروز متوقف شوند، تغییرات در رفتار روسیه نسبت به غرب، اتکاء تازه خود به هزاران سلاح هسته ای و از دست دادن اعتماد به قوانین بین الملل، ما را در مقابل فاجعه آسیب پذیرتر کرده است این بحران، هشدارزدائی (سیستمی در کنترول استفاده از سلاح های کیمیائی تا زمان استفاده از سلاح هسته ای) را افزایش دهد چراکه صدها هزار کلاهک هسته ای با قابلیت هشدار بالا قادراند در عرض چند ثانیه شلیک شوند. در استفاده از سلاح های هسته ای را بیش از پیش ضروری می کند. به کسانی که می گویند تهدید روسیه فقط حرف است، من پاسخ می دهم که لفاظی همان چیزی است که جنگ را آغاز می کند.» ۱۶

جنگ رسانه ای: «ساکت کردن اکثریت خاموش»

این جنگ همچنین «جنگی علیه حقیقت» است. با گسترش جنبش های اعتراضی در سراسر جهان، ناتو رسانه های جمعی را بیش از پیش در چنگال خود گرفته است. ... ائتلاف در یک بالماسکه رسانه ای به عنوان «ناجی البانیائی تبارهای کوزوو» به تصویر کشیده شده است. عملیات «پنهانکاری» تمام عیار صورت گرفته تا مانع از بحث عمومی درباره خود جنگ شود. دستورالعمل پنهان این است که «اکثریت خاموش را ساکت کند». ملاحظه رسانه های غربی به خواسته های ائتلاف افکار عمومی را گمراه کرده است. از تلفات غیرنظامی که گاهی در رسانه ها نمایش داده می شوند به عنوان «آسیب های جانبی» اجتناب ناپذیر یاد می شود. به گفته پنتاگون «چیزی به نام جنگ تمیز وجود ندارد.» ۱۷

در عین حال، مفسران ضد جنگ (از جمله سفیران سابق و مقامات سازمان امنیت و همکاری اروپا) به دقت از برنامه های جریان اصلی امور عمومی حذف شده اند، محتوای تلویزیونی دقیق مورد بررسی قرار گرفته است؛ تصاویری از مرگ و میر غیرنظامیانی که از بلگراد پخش می شوند، به ندرت و انتخابی نمایش داده می شود، روزنامه نگاران تحت نظارت شدیدی قرار دارند. در حالی که رسانه ها در انتقاد از ناتو برای انجام «اشتباهات» و «اشتباهات غم انگیز» تردید نمی کنند اما مشروعیت عملیات نظامی و «دستور کار بشر دوستانه» مورد بحث قرار نمی گیرد:

افکار عمومی با سؤالاتی بمباران می شود که تنها یک پاسخ را امکان پذیر می کند. در جنگ کنونی، سؤال این است: آیا پاکسازی قومی نباید متوقف شود؟ این ساده سازی به رسانه اجازه می دهد تا یوگسلاوی را به جای ناتو به عنوان متجاوز به تصویر بکشد. ائتلاف با وارونه سازی کامل واقعیت، جنگ را اساساً دفاع از طرف البانیائی تبارهای کوزوو جا زده است ... «در حالی که در واقع البانیائی تبارها، قربانیان اصلی بمباران های بشردوستانه» ناتو هستند. ۱۸

با توجه به ماشین تبلیغاتی ناتو، البانیائی تبارها از بمباران ناتو و جنگ زمینی بین KLA و ارتش یوگسلاوی فرار نمی کنند. به گفته دیانا جانستون این «تقریباً آن ها را در طول تاریخ منحصر به فرد کرده است زیرا در طول تاریخ غیر نظامیان از مناطق جنگی فرار کرده اند نه، همانگونه که ما بارها و بارها از سخنگویان ناتو و توجیه گران شنیده ایم، البانیهای کوزوو از یک چیز فرار می کنند: پاکسازی وحشیانه قومی توسط صرب ها.» ۱۹

ناتو به ما می گوید بحران پناهجویان به کوزوو محدود است. با این حال، شواهد (که توسط رسانه های غربی مورد تأیید نیست) تصریح می کنند که مردم سراسر صربستان از شهرهای بزرگ در حال فراراند:

برآوردهای موثق نشان می دهد، تعداد پناهجویانی که از بلگراد گریخته اند ۴۰۰ هزار نفر است. اکثر آنها زنان و کودکان هستند، همانند البانی تبارهای کوزوو. حداقل ۵۰۰ هزار نفر دیگر از شهرهای دیگر صربستان آواره شده اند، به ویژه نویساد و نیش که بمباران ناتو در آن باعث آلودگی هوا شده، تأمین آب را قطع کرده و اهداف کاملاً غیرنظامی مانند میادین بازار را هدف قرار داده است. در مجموع، طبق نوشته روزنامه ایتالیائی *ال مانیفستو* بمباران ناتو حداقل یک میلیون نفر را در صربستان آواره کرده است. پردراگ سیمیچ مشاور سیاست خارجی رهبر اپوزیسیون صربستان ووک دراسکویچ، در کنفرانس پاریس در اواخر ماه می اعلام کرد بمباران های ناتو، کوزوو را به شدت ویران کرده است تا جایی که نه البانی تبارها و نه صرب ها قادر به بازگشت و ادامه زندگی در آنجا نخواهند بود. ۲۰

ادامه دارد

مراجعات:

1. Statement by UNICEF Representative in Belgrade, quoted in Yugoslav Daily Survey, Belgrade, 23 May 1999, No. 4351.
2. Report by Dr Siegwart-Horst Guenther, meeting of the PBS (Federal Socialists), Bonn, 17 May 1999.
3. International Action Center, "NATO Bombing Unleashes Environmental Catastrophe in Europe", Press Release, 14 May 1999).
4. Joseph Fitchett, "Is Serb Economy the True Target? Raids Seem Aimed at Bolstering Resistance to Milosevic", International Herald Tribune, Paris, 26 May 1999.
5. Tanjug Press Release, 25 May 1999.
6. Statement to Ambassadors of 19 NATO Countries, quoted in Daily Telegraph, London, 28 May 1999.
7. Ibid.
8. Sean Gervasi, Bosnia and Vietnam, draft text, 1995.
9. Financial Times, London, 6 May 1999, p. 2.
10. Ibid.
11. The Boston Globe, 8 April 1999.
12. According to Viktor Chechevatov, a Three-star General and Commander of ground forces in Russia's Far East, quoted in The Boston Globe, 8 April 1999
13. Dr. Mary-Wynne Ashford, "Bombings Reignite Nuclear War Fears", The Victoria Times-Colonist. 13 May 1999, page A15. Mary-Wynne Ashford is co-president of the Nobel Peace Prize winning IPPNW.
14. Quoted in Mary-Wynne Ashford, op. cit.
15. Quoted by Dr. Mary-Wynne Ashford, op. cit.
16. Dr. Mary-Wynne Ashford, op cit.

17. Quoted in The Washington Post, May 9, 1999, page A20.
18. World Socialist Website editorial, 24 May 1999.
19. Diana Johnstone, On Refugees, Paris, 30 May 1999.
20. Ibid.